

Typological Review of Few Fargards of Avestan Vandidad

Mohammad Mehdi Esmaili*

Anahid Dashti**

Abstract

Linguistic typology focuses on both language universals and linguistic variations. Implicational universals in typology have semantic, pragmatic, discourse, processing and cognitive explanations. Typology has various uses in linguistics. Studying the structure of different languages, including ancient languages, can help completing the classification of languages. This article provides an overview of typological study about Avestan language. The purpose of this study was to determine the word order of Avestan language of Vandidad, based on Dryer's 24 typological components. This article focuses on the 15 percent of Geldner's Vendidād Avesta based on Bartholomae transcription method. Research data are collected through three fargards of Vendidād Avesta, the second, third and sixth. The findings indicate that Avestan language of Vandidad, has 13 components of strong verb-final languages type and 15 components of strong verb-initial languages type comparing to genera containing languages of Europe and Asia, except for southeast Asia, and this language has also 13 components of strong verb-final languages type and 16 components of strong verb-initial languages type comparing to genera containing world languages. There is a tendency for Avestan language of Vandidad, to be one of languages of verb-initial type.

Keywords: Typology, Word Order, Avestan language of Vandidad, Fargard.

* The Assistant Professor of Linguistics Department, Central Tehran Branch, Faculty of Foreign Languages, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), esmaili@gmail.com

** PH.D. in General linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, anahidashti@gmail.com

Date received: 13/04/2023, Date of acceptance: 05/09/2023



بررسی رده‌شناختی چند فرگرد از وندیداد اوستا

محمد مهدی اسماعیلی*

آناهید دشتی**

چکیده

رده‌شناسی به دنبال دسته‌بندی زبان‌های جهان و یافتن روابط موجود میان آنها به لحاظ ساختارهای دستوری و ارائه اهمیت‌های رده‌شناختی آنها است. رده‌شناسی کاربردهای گوناگونی در زبان‌شناسی امروز دارد. مطالعه ساختاری زبان‌های مختلف از جمله زبان‌های باستانی، می‌تواند به تکمیل کردن طبقه‌بندی زبان‌ها کمک نماید. این مقاله به تحلیل رده‌شناختی فرگردهای دوم، سوم و ششم وندیداد اوستا اختصاص دارد. مطالعه بر آن بوده است با تحلیل نحوی داده‌ها، جایگاه این زبان را در رده‌های فعل‌پایانی قوی یا فعل‌میانی قوی با نگاه رده‌شناختی معین سازد. آوانویسی متن اوستایی به شیوه بارتلمه بوده و داده‌های مورد مطالعه از نسخه گلدنر، انتخاب شده است. حجم جامعه مورد بررسی در پژوهش، شامل ۱۵ درصد از حجم کل وندیداد است. پس از تفکیک بندها، آرایش انواع جمله و سازه‌های نحوی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش بررسی جمله‌ها، نقش‌های اصلی عناصر جمله تعیین شد. در بخش تحلیل سازه‌ها نیز براساس آرایش هسته‌گروه و وابسته‌های آن طبق مولفه‌های ۲۴ گانه ترتیب‌واژه‌درایر صورت گرفت. نتایج حاکی است که این زبان در مقایسه با زبان‌های منطقه اروپا-آسیا دارای ۱۳ مولفه از مولفه‌های زبان‌های فعل‌پایان‌قوی (فعل پس از مفعول) و برخوردار از ۱۵ مولفه از مولفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی (فعل پیش از مفعول) می‌باشد. همچنین این زبان در مقایسه با زبان‌های جهان، ۱۳ مولفه از مولفه‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مولفه از مولفه‌های فعل‌میانی قوی

* استادیار، گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران مرکز، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، esmaaili@gmail.com

** دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، anahidashti@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴



را داراست. بنابراین زبان‌اوستایی‌وندیداد در مقایسه با زبان‌های منطقه خود (اروپا-آسیا) و زبان‌های جهان، به زبان‌های فعل‌میانی قوی گرایش دارد.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی، ترتیب‌واژه، هسته‌گروه، زبان‌اوستایی‌وندیداد، فرگرد.

۱. مقدمه

رده‌شناسی زبان (Language Typology)، ضمن اشاره به طبقه‌بندی ساختاری زبان‌های مختلف، به مطالعه الگوها و یا تعمیم‌های موجود بین زبان‌ها اطلاق می‌شود. این شاخه از زبان‌شناسی، به دنبال دسته‌بندی زبان‌های جهان و یافتن روابط موجود میان آنها به لحاظ ساختارهای دستوری و ارائه اهمیت‌های رده‌شناختی آنها است (کرافت ۲۰۰۳: ۲۹). شیباتانی و بینان (Masayoshi Shibatani and Theodora Bynon) در کتاب رویکردهایی به رده‌شناسی زبان (۱۹۹۹) اظهار داشته‌اند رده‌شناسی زبان به بررسی ساخت چارچوب‌های نظری می‌پردازد که می‌تواند دامنه زبان‌های ممکن انسانی را محدود کند و محدودیت‌های تنوع بین زبانی (cross-linguistic) را در نظر بگیرد. در سه دهه اخیر، دستیابی به مؤلفه‌های ساختاری جهت توصیف وضعیت رده‌شناختی زبان‌ها کافی دانسته نشده است، بلکه پرسشی مطرح شده است که تبیین رفتار رده‌شناختی هر زبان چیست. کشف و بررسی تفاوت‌های نظاممند در نظام آواها و واج‌ها، صرف و نحو زبان‌ها، موضوع "رده‌شناسی زبان" است. رده‌شناسی زبان از تفاوت‌های نظاممند بین زبان‌های جهان، چه زبانی که به یک خانواده زبانی تعلق دارند و چه زبانی که در خانواده‌های زبانی مختلف جای می‌گیرند بحث می‌کند. در این مسیر پژوهشی، رده‌شناسان به همگانی‌های زبانی که در همه زبان‌ها یافت می‌شوند نیز نائل شده‌اند. بنابراین، دستاورد مطالعات رده‌شناختی هم کشف تفاوت‌های نظاممند و هم اشتراکات بین زبان‌ها بوده است (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۵-۲۱).

در طی سال‌ها مطالعات رده‌شناسی، هزاران مقاله و صدها کتاب به موضوعات مختلف در شاخه رده‌شناسی پرداخته‌اند. همچنین رده‌شناسان سعی کرده‌اند به کمک اینترنت، به فراهم آوردن داده‌های زبانی از زبان‌های مختلف و تحلیل آنها بپردازند. در این میان سهم زبان‌های ایرانی در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی چقدر است؟ در کتاب (۲۰۱۳) موراووسیک (Andrew Moravcsik) که یکی از جدیدترین درسنامه‌های رده‌شناسی است، تنها زبان ایرانی که از آن نام برده شده فارسی است. در کتاب (۲۰۱۳) کرافت (William Croft)، زبان‌های ایرانی مورد اشاره، فارسی و روشانی هستند. در پایگاه‌های اینترنتی مانند پایگاه اطلس جهانی

ساختارهای زبانی، در رده‌های زبان‌های ایرانی، نام ۲۶ زبان آمده‌است که بیشتر زبان‌های مورد اشاره، گرفته‌شده از منابع دستور توصیفی قدیمی و منابع دست‌دوم است که به آنها استناد شده است. زبان‌های ایرانی به دلیل داشتن تاریخ مشخص و منابع مکتوب از مراحل مختلف تاریخی خود و تنوع منحصر به فرد، از موارد نادر در میان خانواده‌های زبانی دنیا محسوب می‌شوند که تاکنون جایگاه خود را در مطالعات رده‌شناختی پیدا نکرده‌اند. توجه به زبان‌های ایرانی و مطالعه دقیق آنها می‌تواند تصویر مطالعات رده‌شناختی را دگرگون یا دست‌کم کامل کند؛ زیرا در رده‌شناسی، اصل بر این است که تا حد امکان باید گستره‌های زبان‌های مورد مطالعه را بیشتر کرد تا تعمیم‌ها و تبیین‌های حاصل ارزشمندتر و قابل‌اعتمادتر شوند (راسخ مهند ۱۳۹۳: ۲۰۲-۲۰۳).

وندیداد یکی از بخش‌های پسین «اوستای نو» است و شامل بیست و دو «فرگرد» است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۶۰-۶۱). اوستایی که امروز در دست است و به صورت دست‌نوشته از سال ۱۲۷۸ میلادی به بعد استنساخ شده‌است در حدود یک‌سوم یا یک‌چهارم کتابی است که در دوره ساسانیان وجود داشته‌است (دارمستتر ۱۸۹۴: ۳۹). از دید مالاندرا (William W. Malandra)، وندیداد به عنوان یک اثر ادبی و الهی و به‌طور کلی متون اوستایی از نظر پرداختن و تشریح جنبه‌های خاصی از زندگی جامعه زرتشتی تقریباً منحصر به فرد است (۲۰۰۶). خط اوستایی در سده سوم میلادی برای نوشتن اوستا ابداع شد. این خط، از خط پهلوی برگرفته شده است (زرشناس ۱۳۸۲: ۲۲). خط اوستایی شامل پنجاه و سه نماد است، اما تا پنجاه و هشت نماد نیز گزارش شده است (تفضلی، ۲۰۱۱).

تاکنون مطالعه و پژوهش‌های مختلفی پیرامون رده‌شناسی زبان‌های باستانی ایران انجام گرفته است و جهت بررسی شایسته رده‌شناسی این زبان‌ها و یکدست و معتبر نمودن آنها راه زیادی در پیش است. اهمیت نتایج پژوهش‌های رده‌شناختی، حفظ و طبقه‌بندی زبان‌های قومی کشور است و این رده‌بندی‌ها، سبب نگهداری و ماندگار کردن میراث فکری، فرهنگی و انسانی می‌شود که ریشه در ادوار گذشته دارد که راه دیگری برای کسب آگاهی از آن دوره‌های زمانی وجود ندارد. لزوم بررسی زبان اوستایی به عنوان یک زبان کهن ایرانی و خواهر زبان فارسی باستان به عنوان نیای زبان فارسی نیز مشهود است که می‌توان دریافت چه تحولاتی در ساختار زبان‌های باستانی این زبان روی داده و چه مراحل را پشت سر گذرانده است. هم‌چنین این بررسی می‌تواند در آزمودن رده‌بندی‌هایی که سابقاً در زبان‌شناسی به دست داده شده‌اند، سودمند واقع شود. هدف اصلی از مطالعه رده‌شناختی زبان اوستایی وندیداد

این است که این زبان از دیدگاه رده‌شناسی زبان، به رده‌ی زبانی فعل پایانی تعلق دارد یا رده‌ی زبانی فعل میانی.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

در مطالعات رده‌شناسی زبان، دو مقطع زمانی بازشناخته می‌شود. در مقطع زمانی اول، دسته‌بندی‌های کلی و کلان از زبان‌های جهان به دست داده شده است. در این مقطع که به ویژگی‌های صرفی زبان‌ها پرداخته شده، رده‌هایی همچون زبان‌های تصریفی، زبان‌های گسسته، زبان‌های پیوندی، زبان‌های تحلیلی و زبان‌های بساترکیبی به دست داده شده است. این رده‌ها با توجه به شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی (یعنی صرف) زبان‌ها پیشنهاد شده‌اند. این مقطع را اصطلاحاً "رده‌شناسی کل‌گرا" خوانده‌اند (کرافت ۲۰۰۳: ۲۹).

در دسته‌بندی‌های جزئی (مقطع زمانی دوم) زبان‌های جهان، که بخش عمده‌ی مطالعات قرن بیستم را شامل می‌شود، اولاً ویژگی‌های نحوی زبان‌ها در کانون توجه قرار گرفت و ثانیاً مقایسه‌های بین‌زبانی ساخت نحوی خاص (و نه کل ساخت نحوی زبان) مانند ترتیب وقوع واژه‌ها در جمله (و کشف رده‌های دارای ترتیب "فاعل-مفعول-فعل"، "فاعل-فعل-مفعول" و ...) می‌باشد. به بیان دقیق‌تر، ترتیب وقوع واژه‌ها (سازه‌ها) در عبارت، یکی از مهم‌ترین پارامترهای ترتیب‌واژه در رده‌شناسی است. به‌علاوه بعضی از زبان‌شناسان همچون کامری (Bernard S. Comrie) آن را به عنوان پارامتر عمده‌ی رده‌شناسی در نظر گرفته‌اند که در شکل اصلی‌اش شش رده‌ی زبانی را ایجاد می‌کند (کامری ۱۹۸۹: ۸۷).

گرینبرگ (J. H. Greenberg) در مقام برجسته‌ترین رده‌شناس قرن بیستم است که در مقالات خود از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۰۲ به عنوان "برخی همگانی‌های دستور با تاکید ویژه بر توالی عناصر معنی‌دار" باب نوینی در پژوهش‌های رده‌شناختی گشود. زبان‌شناسان از آنها به عنوان نقطه‌ی شروع مطالعه‌ی همگانی‌ها در مطالعات رده‌شناسی زبانی یاد می‌کنند. همگانی‌های زبانی ویژگی‌هایی ساختاری هستند که در اکثر زبان‌ها مشترک‌اند. این همگانی‌ها از طریق بررسی و مقایسه‌ی زبان‌ها با یکدیگر شناخته می‌شوند؛ بنابراین در مطالعات رده‌شناسی، بررسی‌های بین‌زبانی اهمیت بسیاری دارد (راسخ مهند ۱۳۹۳: ۲۰۱-۲۰۲).

کرافت رده‌شناسی زبان را به مثابه‌ی طبقه‌بندی رده‌های ساختاری در زبان‌ها تعریف کرده است که رده‌شناسی در حقیقت مقایسه‌ی بین زبان‌هاست. او همچنین رده‌شناسی را مطالعه‌ی الگوهایی در نظر گرفته است که به‌طور نظاممند در زبان‌ها به کار می‌روند که این تعریف به

تعمیم رده‌شناختی معروف است. الگوهای مورد نظر در تعمیم رده‌شناختی، جهانی‌های زبان هستند که نمونه کلاسیک آنها جهانی‌های تلویحی نامیده می‌شوند. دو ویژگی اصلی و بارز رویکرد وی در این زمینه نقش محوری مقایسه بین‌زبانی و روابط تنگاتنگ بین صورت زبانی و نقش زبان است. کرافت در زمینه نشاننداری رده‌شناختی سه معیار ساختاری، رفتاری و بسامد کاربرد را به تفصیل بیان داشته‌است (کرافت ۲۰۰۳: ۵۱-۵۶).

کامری که از رده‌شناسان و زبان‌شناسان مشهور معاصر می‌باشد، در مقاله‌ی "جهانی‌های زبان و رده‌شناسی زبانی"، آشنایی با زبان‌های ایرانی، به‌ویژه دو ویژگی مهم آنها، یعنی ترتیب‌واژه (Word order) و کنایی‌بودگی (Ergativity) را علتی می‌داند که باعث می‌شود موارد زبانی مهمی برای رده‌شناسان فراهم شود که غالباً نادیده گرفته شده‌اند و این امکان را فراهم می‌کند که درک بهتری از گوناگونی‌ها و همگانی‌های زبان‌ها فراهم شود. همچنین کامری در کتاب زبان‌های عمده جهان، به زبان‌های ایرانی چون فارسی، پشتو و تاجیکی پرداخته است و نظام آوایی، واجی، صرفی و نحوی آنها را از منظر رده‌شناختی تشریح می‌نماید (کامری ۲۰۰۹: ۴۳۷-۴۷۷).

فریدریک در اثر خود با عنوان "نحو هندواروپایی آغازین - ترتیب‌عناصر معنی‌دار"، به ترتیب واژه‌ها در هندواروپایی آغازین پرداخته و اشاره نموده است که شواهد زیادی نشان می‌دهد که هر دو ترتیب فعل-مفعول (Verb Object) یا (VO) و مفعول-فعل (OV) پررخداد بوده‌اند. فریدریک برای ارائه دیدگاه خود به داده‌های زبانی یونانی هومری، ارمنی باستان، فارسی باستان، اوستایی، ایتالیک، سلتی (مشخصاً ایرلندی باستان) و اسلاوی آغازین استناد کرده و نتیجه گرفته است که این شواهد تقریباً به یک میزان برای تلقی هندواروپایی آغازین به عنوان زبان فعل-مفعول یا مفعول-فعل کفایت می‌کند و حتی ترتیب فعل-فاعل-مفعول (Verb Subject Object) یا (VSO) را نیز باید به عنوان شقی جدی در نظر داشت. فریدریک با مقایسه سروده‌های گاهانی (Gathic hymns) که دانشمندان معتقدند حدود ۹۰۰ سال پیش از میلاد در شرق ایران توسط خود زرتشت سروده شد و سروده‌های اوستای متأخر که احتمالاً توسط مغان (Magi) در قرن‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد در دربار هخامنشی در غرب ایران سروده شد، به مشاهدات زیر دست یافته است:

۱. در گاهان ترتیب توالی صفت-موصوف با موصوف-صفت عملاً برابر است اما در اوستای متأخر ترتیب رخداد صفت بعد از موصوف بیش از ترتیب صفت قبل از موصوف است.

۲. در گاهان ترتیب مضاف‌الیه پیش از مضاف بیشتر از ترتیب مضاف پیش از مضاف‌الیه است؛ لیکن در اوستای متأخر ترتیب معکوس است یعنی ترتیب مضاف-مضاف‌الیه بیشتر از ترتیب مضاف‌الیه-مضاف است.

۳. در گاهان بسامد رخداد پیش‌اضافه‌ها افزون‌تر از پس‌اضافه‌ها است. این برتری بسامد رخداد در اوستای متأخر بسیار بارز است. علاوه بر برتری بسامد رخداد تعداد پیش‌اضافه‌ها نیز از تعداد پس‌اضافه‌ها بسیار بیشتر بوده است.

۴. ترتیب غالب فاعل-مفعول-فعل (Subject Object Verb) یا (SOV) است و سه شق زیر نیز نسبتاً پررخدادند: فاعل-فعل-مفعول (Subject Verb Object) یا (SVO)، مفعول-فاعل-فعل (Object Subject Verb) یا (OSV) و مفعول-فعل-فاعل (Object Verb Subject) یا (OVS). هم‌چنین بسامد رخداد فاعل-فعل (Subject Verb) یا (SV) نسبت به ترتیب فعل-فاعل (Verb Subject) یا (VS) غالب است. بسامد این ترتیب‌ها در متون گاهانی درمقایسه با اوستای متأخر تفاوت محسوسی را نشان نمی‌دهد (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۴۹).

گلفام (۱۳۷۹) در خصوص اهمیت رده‌شناسی و کشف جهانی‌ها این طور می‌گوید که جهانی‌ها مشخص‌کننده هرآن چیزی هستند که در زبان ممکن و یا ناممکن است و نیازی به وصف تک‌تک زبان‌ها نیست بلکه جهانی‌ها مشخص‌کننده رده کلی آنها می‌باشند. مطالعه دقیق و تفسیر شباهت‌ها و تفاوت‌های بین‌زبانی، راه تعیین این جهانی‌ها می‌باشد که می‌تواند به گروه‌های معنایی، آوایی و نحوی و واژی و جز آن دسته‌بندی شود. این جهانی‌ها می‌توانند مطلق یا نسبی باشند. هم‌چنین می‌توانند برحسب اینکه آیا بر حسب استلزام شرطی بیان می‌شوند، تلویحی یا غیرتلویحی باشند.

منشی‌زاده و ناصح (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان "نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانۀ پهلوی"، با تحلیل نحوی مثال‌ها، آرایش انواع سازه‌ها در این زبان را مشخص و سپس جایگاه آن را در رده‌های ممکن نحوی معین نموده‌اند. آنان بر اساس داده‌های مورد مطالعه، که برگرفته از متون سده‌های نخست دوره اسلامی بوده است، نتیجه گرفته‌اند که پهلوی، زبانی پیوندی و با لعب ضعیفی از نوع ترکیبی است. هم‌چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که این زبان دارای آرایش آزاد بوده و به‌طور مشخص، نمی‌شود آن را به یک رده زبانی خاص محدود کرد.

کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی دبیرمقدم، جامع‌ترین اثر رده‌شناسی در ایران است. در این مطالعه، از همه نقات ایران زبان‌هایی انتخاب شده که می‌توانند نماینده خودشان باشند. دبیرمقدم نشان می‌دهد در تحلیل رده‌شناسی چون گرینبرگ و کامری درباره ترتیب واژه، زبان فارسی

استثنا بوده است، زیرا با این‌که توالی مفعول قبل از فعل در جمله‌های خبری آن وجود دارد، در ویژگی‌های مهمی مانند داشتن پیش‌اضافه، مضاف پیش از مضاف‌الیه، موصوف پیش از صفت و هسته اسمی پیش از بند موصولی، رفتار این زبان مانند زبان‌های فعل آغاز (VO) است. دبیرمقدم در بخش بعدی، براساس مقاله ۱۹۹۲ درایر (Matthew S. Dryer)، به تعیین وضعیت رده‌شناختی ترتیب واژه در زبان فارسی پرداخته است. او برای تحلیل ترتیب واژه در زبان فارسی، ۲۴ همبستگی (Correlation) را برگزیده است. نویسنده در این بررسی نتیجه گرفته است که زبان فارسی، هم در مقایسه با زبان‌های منطقه خود (اروپا-آسیا) و هم در مقایسه با زبان‌های جهان، گرایش به سوی زبان‌های فعل میانی (VO) قوی دارد. او تصریح می‌کند که زبان فارسی در ۱۲ مولفه شبیه زبان‌های فعل‌پایانی در زبان‌های اروپا و آسیا است. همچنین نتیجه می‌گیرد که نظریه "سوی انشعاب درایر" (Branching direction)، تبیین‌کننده رفتار زبان فارسی نیست. آنگاه بر این اساس، دو فرضیه را مطرح می‌کند: یکی این‌که زبان فارسی در مرحله تغییر رده است و دیگر این‌که این زبان اساساً زبانی با ترتیب آزاد واژه‌هاست.

او همچنین به تحلیل تاریخی زبان فارسی پرداخته و نشان داده است که تغییرات رده‌شناختی نحوی باعث شده است که این زبان امروزه بیشتر ویژگی‌های زبان‌های فعل میانی را داشته باشد. همچنین در تحلیل رده‌شناختی خود از تحولات دوره باستان تا دوره نو در زبان فارسی، به ذکر تحولات رده‌شناختی تاریخی بین اوستای گاهانی (Gathic Avestan) و اوستای متأخرتر (Younger Avestan) یعنی دو مقطع از یک زبان ایرانی دوره باستان پرداخته است. علاوه بر این، نویسنده با ارائه هفت استدلال نشان داده است زبان فارسی از حیث صرفی نیز زبانی با گرایش غالب تحلیلی است. به عقیده دبیرمقدم، این نتایج نشان می‌دهد که رده بینایی نیز خود یک رده است و نمی‌توان گفت رده‌ای درگذار است.

۳. چهارچوب نظری

این مقاله با استفاده از روش‌های رده‌شناسی جزء‌گرا انجام‌گردیده است. در مطالعه رده‌شناختی زبان اوستایی با استفاده از متن وندیداد کتاب اوستا، به تحلیل نحوی و بررسی آرایش انواع سازه‌ها در سطح جمله و گروه پرداخته شد. تعیین جایگاه این زبان در رده‌های ممکن نحوی با نگاه رده‌شناختی، در چهارچوب ترتیب و توالی واژه‌ها انجام پذیرفت. شیوه و روال بررسی درایر در مقاله (۱۹۹۲) با بهره‌گیری از مولفه‌های ۲۴ گانه تحت عنوان "همبستگی‌های

ترتیب واژه‌گریبگری " بوده است. درایر در مطالعات مستمر خود به بررسی زبان‌هایی با رده فاعل-فعل-مفعول پرداخته است. وی مدعی شده است درحالی‌که ویژگی‌های بسیار کمی (شبهه ترتیب مضاف‌الیه و مضاف) وجود دارند که زبان‌های مذکور براساس آن دارای الگویی بینابین زبان‌های فعل‌آغازی و فعل‌پایانی هستند، تعداد زیادی ویژگی ترتیب واژه‌دیگر نیز وجود دارد که زبان‌های فاعل-فعل-مفعول دارای الگویی خیلی زیاد شبهه زبان‌های فعل‌آغازی هستند. درایر در مقاله بسیار مهم (۱۹۹۲) با اتخاذ رویکرد رده‌شناختی گریبگری، درباره همبستگی میان برخی ساخت‌های زبانی از یک سو و ترتیب مفعول نسبت به فعل از سوی دیگر بحث کرده است. پیکره زبانی آن مقاله مبتنی بر ۶۲۵ زبان است. درایر در مقاله دیگری با عنوان "ترتیب واژه" (۲۰۰۷)، موضوع همبستگی‌های مذکور را گسترش داده است. هم‌چنین وی در مقاله (۲۰۱۳) نیز پارامترهای مطرح‌شده در مقاله (۱۹۹۲) را عیناً به کار برده است (دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۲۸).

توضیح معیار همبستگی و اصول ترتیب ۲۴گانه از دیدگاه درایر بدین شرح است. هر همبستگی ترتیب رخداد یک جفت مولفه x و y را با ترتیب رخداد فعل نسبت به مفعول می‌سنجد. وی تصریح کرده است که اگر ترتیب رخداد جفت x و y با ترتیب رخداد فعل و مفعول به لحاظ آماری همبستگی نشان دهد، آنگاه جفت x و y "جفت همبستگی" (Correlation pair) خوانده می‌شوند و در این جفت همبستگی "هم‌الگو با فعل" و "هم‌الگو با مفعول" دانسته می‌شود. از آنجایی‌که در زبان‌های دارای ترتیب مفعول+فعل (OV) تمایل به استفاده از پس‌اضافه است (فعل‌پایانی قوی)؛ ولی در زبان‌های دارای ترتیب فعل+مفعول (VO) تمایل به استفاده از پیش‌اضافه دیده می‌شود (فعل‌میانی قوی)؛ بنابراین می‌توان گفت که جفت حرف اضافه (شامل پیش‌اضافه و پس‌اضافه) و گروه اسمی، جفت همبستگی است و در این جفت، حروف اضافه هم‌الگو با فعل و گروه‌های اسمی همراه با آن حروف اضافه هم‌الگو با مفعول می‌باشند (کرافت ۲۰۰۳: ۴۲).

درایر برای نشان دادن آمار همبستگی میان زبان‌ها، جدولی ترتیب داده است که در آن جهان به ۶ منطقه جغرافیایی تقسیم شده است. برای هر منطقه آمار همبستگی بین مولفه مورد نظر و ترتیب مفعول+فعل و نیز فعل+مفعول به تفکیک آورده شده است. چنانکه در جدول ۱-۲ ملاحظه می‌شود، در ستون اروپا-آسیا همبستگی بین پس‌اضافه از یک سو و ترتیب مفعول+فعل (OV) از سوی دیگر عدد ۲۶ است. در صورتی‌که همبستگی میان پیش‌اضافه و ترتیب مفعول+فعل (OV) عدد ۳ است. همین‌طور، همبستگی بین پس‌اضافه و ترتیب

بررسی رده‌شناختی ... (محمد مهدی اسماعیلی و آناهید دشتی) ۱۱

فعل + مفعول (VO) عدد ۱ می‌باشد و همبستگی بین پیش‌اضافه و ترتیب فعل + مفعول (VO) عدد ۸ است (همان: ۴۳).

جدول ۳-۱ ترتیب فعل، مفعول و حرف اضافه (براساس معیار درایر)

جمع	امریکای جنوبی	امریکای شمالی	استرالیا و گینه نو	جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه	اروپا-آسیا	افریقا	
۱۰۷	۱۹	۲۵	۱۷	۵	۲۶	۱۵	مفعول + فعل و پس‌اضافه
۷	۰	۰	۱	۰	۳	۳	مفعول + فعل و پیش‌اضافه
۱۲	۴	۳	۰	۰	۱	۴	فعل + مفعول و پس‌اضافه
۷۰	۵	۲۰	۶	۱۵	۸	۱۶	فعل + مفعول و پیش‌اضافه

۴. روش پژوهش

داده‌های مورد مطالعه‌ی این پژوهش شامل متن اوستایی ۳ فرگرد شامل فرگردهای دوم، سوم و ششم از فرگردهای ۲۲ گانه‌ی ونیدیداد اوستا است. هریک از فرگردهای ونیدیداد اوستا مشتمل بر تعدادی بند مجزا و هر بند شامل چند جمله است. طوری که فرگرد دوم دارای ۴۳ بند، فرگرد سوم دارای ۴۲ بند و فرگرد ششم دارای ۵۱ بند می‌باشد. بنابراین نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۱۳۶ بند است که نسبت به کل بندهای ونیدیداد (۹۲۰ بند)، ۱۵ درصد از حجم کل ونیدیداد را شامل می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و انجام کار رده‌شناختی ابتدا جمله‌های هر کدام از بندهای هر فرگرد، تفکیک گردید و سپس گروه‌ها و سازه‌های دستوری آن مشخص شد. آنگاه آرایش انواع جمله و سازه‌های نحوی طبق ترتیب و توالی مولفه‌های ۲۴ گانه درایر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این قسمت به ترتیب هر مولفه معرفی و مثال‌هایی برای آن ارائه می‌شود. هم‌چنین به بسامد وقوع و چگونگی قرار گرفتن هر مولفه در جدول نیز اشاره می‌گردد. لازم‌به‌ذکر است که در تعیین جایگاه هر مولفه، مطابق جفت همبستگی درایر، "x هم‌الگو با فعل" و "y هم‌الگو با مفعول" در نظر گرفته می‌شود.

۵. تحلیل مولفه‌ها

در ۲۴ زیربخشی که در زیر می‌آید به ترتیب به هر یک از مولفه‌های مورد بررسی با ذکر مثال می‌پردازیم. لازم به ذکر است در ترجمه برخی از جمله‌ها، کلمه یا کلمه‌هایی در صورت مثال وجود ندارد اما از آن کلمه یا کلمه‌ها در داخل پرانتز استفاده شده است تا به درک بهتر مفهوم جمله و مولفه مورد بحث کمک نماید.

۵-۱ مولفه یکم: نوع حرف اضافه

در داده‌های مورد بررسی زبان اوستایی وندیداد، تعداد (۴۶ مورد) پیش‌اضافه (Preposition) دیده شد که در حدود دو برابر موارد پس‌اضافه (Postposition) یعنی (۲۴ مورد) است که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود. در مثال زیر پیش‌اضافه دیده می‌شود:

۱	yat	vā	anāpəm	āi	āpəm	Kərənaoiti
	که	یا	بی‌آب	به	آبی	می‌کند
	ض.م.	ح.ر.	ا.	ح.ا.	ص.	ف.

جایی که [چنین کسی] زمین‌های خشک را آبیاری کند. (فرگرد سوم، بند ۴)

در مثال زیر پس‌اضافه دیده می‌شود:

۲	yimāi	paiti
	جم	به
	ا.	ح.ا.

به جم. (فرگرد سوم، بند ۷)

۵-۲ مولفه دوم: توالی هسته اسمی و بند موصولی

در زبان اوستایی وندیداد، همواره بند موصولی پس از هسته اسمی و ضمیر موصولی (۷۸ مورد) واقع است که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود.

۳	kuθa	tē	azəm	yarəm	kərənavāne	yā	mē	aoxta	ahurō mazdā
	چگونه	(ات)	من	وَر	بسازم	که	به من	گفت	اهوره مزدا

بررسی رده‌شناختی ... (محمد مهدی اسماعیلی و آناهید دشتی) ۱۳

ب.م.	ض.مو.	ه.ب.م. و مف.ص.	ض.	ض.مت.	پ.و.
------	-------	----------------	----	-------	------

چگونه من این ور را بسازم که اهوره‌مزدا به من گفت؟ (فرگرد دوم، بند ۳۱)

۵-۳ مولفه سوم: توالی مضاف و مضاف‌الیه

در زبان اوستایی وندیداد، هر دو ترتیب مضاف-مضاف‌الیه (۹۷ مورد) و مضاف‌الیه-مضاف (۶۴ مورد) وجود دارد. اما تمایل بر این است که مضاف پیش از مضاف‌الیه واقع شود که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود. ابتدا مثالی از ترتیب مضاف-مضاف‌الیه آورده می‌شود:

۴	dātarə	gaēθanəṃ
	دادار	جهان‌ها
	مض.	مض.ا.

دادار جهان‌ها (فرگرد دوم، بند ۱)

در مثال زیر ترتیب گروه اضافی به صورت مضاف‌الیه-مضاف می‌باشد:

۵	yimāi	xšaθrāi
	جم	شهریاری
	مض.ا.	مض.

شهریاری جم (فرگرد دوم، بند ۸)

۵-۴ مولفه چهارم: توالی صفت و مبنای مقایسه

در زبان اوستایی وندیداد، فقط ترتیب صفت + مبنای مقایسه (۳ مورد) دیده می‌شود که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

۶	aēva	θrišva	ahmāt	masyehim	yaθa para ahmāt as
	یک	سوم	پیش	بزرگتر	پیش‌تر
	ع.	ع.	ق.	ص.	مبنای مقایسه

یک سوم پیش از آنچه پیشتر [بود] (فرگرد دوم، بند ۱۱)

۵-۵ مولفه پنجم: توالی گروه حرف‌اضافه‌ای و فعل

در زبان اوستایی وندیداد، گروه حرف‌اضافه‌ای هم پیش از فعل (۳۹ مورد) و هم پس از فعل (۳۱ مورد) واقع می‌شود که مثال‌های ۱ و ۲ شاهد آن می‌باشد که گرایش به جایگاه فعل‌پایانی قوی دارد.

۵-۶ مولفه ششم: توالی فعل و قید حالت

در همه موارد به جز یک مورد، قید حالت پیش از فعل/مصدر (۷ مورد) واقع می‌شود که در جایگاه فعل‌پایانی قوی واقع می‌شود:

۷	āat	pasca	yārə-drājō	vasō	x'arəθā	aḡhən nərəbyō ašavabyō hamaθa yaθa paracit.
				به میل	آشامیدن	
				ق.ح.	مص.	

پس از آن تا یک سال (بر جای بگذارند و) از آن پس، هر اشونی می‌تواند (نوشابه‌ای برگرفته) از آن را به میل بیاشامد. (فرگرد ششم، بند ۴۳)
در این مثال (۱ مورد) قید حالت پس از فعل (مصدر) واقع گردیده است:

۸	masō	ḡm-urvisvāḡhō	sadayeiti
	خیلی	گرویدن	گریزان می‌شوند
	ق.	ا.	ف.

(دیوان) خیلی گریزان می‌شوند. (فرگرد سوم، بند ۳۲)

۵-۷ مولفه هفتم: توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند

در زبان اوستایی وندیداد، در توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند، مسند هم پیش از فعل اسنادی (۵۵ مورد) و هم پس از آن (۲۹ مورد) واقع می‌شود که در جایگاه فعل‌پایانی قوی واقع می‌شود. ابتدا به موردی از توالی و ترتیب مسند-فعل اسنادی اشاره می‌شود:

۹	nōit	dātō	ahmi
		آفریده شده	هستم
	ا.ن.	مس.	ف.اس.

بررسی رده‌شناختی ... (محمد مهدی اسماعیلی و آناهید دشتی) ۱۵

نه آفریده هشتم (فرگرد دوم، بند ۳)

در مثال زیر توالی فعل اسنادی-مسند دیده می‌شود:

۱۰	yimō	asti	<u>xšaθravā</u> bərəθe
	جم	است	برنده شهریاری
	مس.ا.	ف.اس.	مس.

جم برنده شهریاری است. (فرگرد دوم، بند ۷)

۵-۸ مولفه هشتم: توالی فعل "خواستن" و فعل بند پیرو

زبان اوستایی در دسته زبان‌های تصریفی قرار می‌گیرد. لذا مولفه داشتن فعل کمکی که بیشتر در زبان‌های تحلیلی دیده می‌شود؛ در زبان اوستایی وندیداد دیده نمی‌شود. از این روی مولفه هشتم در این زبان قابل بررسی نیست.

۵-۹ مولفه نهم: توالی صفت و اسم

در زبان اوستایی وندیداد، صفت هم پیش از اسم (۲۵۲ مورد) و هم پس از اسم (۱۳۶ مورد) واقع می‌شود که در جایگاه فعل پایانی قوی واقع می‌شود. ابتدا مثالی از ترتیب اسم-صفت آورده می‌شود:

۱۱	gaēθanəm	<u>astvaitinəm</u>
	جهان‌ها	استومند
	ا.	ص.

جهان‌های استومند (فرگرد دوم، بند ۱)

در مثال زیر، صفت پیش از اسم قرار گرفته است:

۱۲	<u>mainyaoibyō</u>	yazataēibyō
	مینوی	ایزدان
	ص.	ا.

به ایزدان مینوی (فرگرد دوم، بند ۲۱)

۵-۱۰ مولفه دهم: توالی صفت اشاره و اسم

در زبان اوستایی وندیداد، همه موارد صفت اشاره (۸۵/مورد)، پیش از اسم خود واقع شده‌اند که در جایگاه فعل پایانی قوی واقع می‌شود.

۱۳	aētaṅhā	daṅhuš
	این‌ها	سرزمین‌ها
	ص.ا.	ا.

این سرزمین‌ها (فرگرد دوم، بند ۲۴)

۵-۱۱ مولفه یازدهم: توالی صفت و قید مقدار

در داده‌های مورد بررسی در همه ۱۱ مورد، قید مقدار پیش از صفت (در صورت نبودن صفت، پیش از اسمی که در ساخت جمله حضور دارد) واقع است که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

۱۴	tē	ābya	bairyeiṅte	yaēšam	dim	frāvō	vohunam
	ات	آن دو	رانده می‌شوند	که شان	او	بسیار	نیکویی
						ق.م.	ص.

[برای] آن دو رانده می‌شوند کثرت چیزهای خوب (به او نیکویی بسیار [رسیده است]).

(فرگرد سوم، بند ۲۹)

۵-۱۲ مولفه دوازدهم: توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود

مولفه دوازدهم نیز که به بررسی توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود می‌پردازد، به علت نبودن فعل کمکی در زبان اوستایی وندیداد قابل بررسی نیست.

۵-۱۳ مولفه سیزدهم: توالی ادات استفهام و جمله

در فرگردهای مورد بررسی وندیداد اوستا، شاهی از ادات استفهام (Question Particle) "آیا" و "مگر" دیده نشد.

۵-۱۴ مولفه چهاردهم: توالی متمم‌نما/حرف ربط بند قیدی و بند

در زبان اوستایی وندیداد، همه ۲۹ مورد متمم‌نما/حرف ربط (Conjunction) در بند قیدی (Adverbial Clause) پیش از بند واقع است که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود.

۱۵	āat	yimō	avaoa	kərənaot	yaoa	dim	išat	ahurō mazdā
	آنگاه	جم	چنان	کرد	که	او	خواست	اهوره‌مزدا
		فا.	ق.	ف.	مت. نما/ح.ر.		ب.ق.	

آنگاه جم چنان کرد که اهوره‌مزدا خواست (فرگرد دوم، بند ۳۲)

۵-۱۵ مولفه پانزدهم: توالی حرف تعریف و اسم

در زبان اوستایی وندیداد، حرف تعریف کاملاً مشخصی وجود ندارد اما گاه از عناصری در بافت جمله، نقش حرف تعریف افاده می‌شود. این توالی و ترتیب در داده‌های مورد مطالعه، فقط به صورت حرف تعریف - اسم (۴ مورد) مشاهده شد که در جایگاه فعل پایانی قوی واقع می‌شود:

۱۶	hañjamanəm	frabarata	yō	daōvā	ahurō mazdā
	انجمن	فراز برد		دادار	اهوره‌مزدا
			ح.ت.		ا.

دادار اهوره‌مزدا انجمن را فراز برد. (فرگرد دوم، بند ۲۰)

۵-۱۶ مولفه شانزدهم: توالی فعل و فاعل

ترتیب قرارگرفتن فاعل هم پیش از فعل (۱۵۵ مورد) و هم پس از فعل (۸۷ مورد) است اما موارد وقوع فاعل پیش از فعل بیشتر است که در جایگاه فعل پایانی قوی واقع می‌شود. در ابتدا ترتیب فاعل-فعل آورده می‌شود:

۱۷	azəm	tē	gaēθā	varθdayeni
	من	ض. (آت)	جهان	بیالانم
	فا.	اض.	مف.ص.	ف.

من جهان تو را بیالانم (فرگرد دوم، بند ۵)

۱۸ زبان‌شناخت، سال ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

در مثال زیر ترتیب فاعل پس از فعل دیده می‌شود:

۱۸	pərəsat	zaraθustrō	ahurəm mazdam
	پرسید	زرتشت	اهوره‌مزدا
	ف.	فا.	مف.ص.

زرتشت از اهوره‌مزدا پرسید (فرگرد دوم، بند ۱)

۵-۱۷ مولفه هفدهم: توالی عدد و اسم

در زبان اوستایی وندیداد، عدد همواره قبل از اسم (۸۵ مورد) قرار می‌گیرد که در جایگاه فعل پایانی قوی واقع می‌شود:

۱۹	nava	pərəθwō
	نُه	گذرگاه
	ع.	ا.

نُه گذرگاه (فرگرد دوم، بند ۳۰)

۵-۱۸ مولفه هجدهم: توالی وند زمان - نمود و ستاک فعل

در زبان اوستایی وندیداد، پسوندهای فعلی که مفهوم نمود-زمان و همینطور ویژگی شخص را به سازه فعل می‌افزایند فقط به صورت توالی ستاک فعل-وند زمان و نمود وجود دارد که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

20-upajasōit

برسد (فرگرد ششم، بند ۲۷)

پیشوند	ریشه	پسوند ستاک ساز آغازی	ستاک	نشانه وجه تمنايي	شناسه فعلی	فعل	فعل پس از تغییر آوایی
upa	$\sqrt{\text{gam}}$ ja	+ sa	→ upajasa-	+ ī	+ t	→upajasāit	→ upajasōit

در مثال ۲۱، ستاک فعل مضارع آغازی تمنايي، نمود ناقص و شناسه آن، سوم شخص مفرد

گذرا است (کلنز، ۱۹۹۵: ۱۹).

۵-۱۹ مولفه نوزدهم: توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی

در زبان اوستایی وندیداد این توالی فقط به صورت ترتیب اسم-تکواژ آزاد ملکی (۱ مورد) دیده می‌شود که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

۲۱	<u>zafra</u>	<u>tafsan</u>	<u>ava=aēm</u>
	دهان	بسوزد	آنها=شان
	.ا	.ف	.ت.آ.م

دهان‌شان بسوزد. (فرگرد سوم، بند ۳۲)

۵-۲۰ مولفه بیستم: توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم "توانستن"

مولفه بیستم نیز که به بررسی توالی فعل اصلی و فعل‌های کمکی در مفهوم "توانستن" می‌پردازد؛ به علت نبودن این فعل در زبان اوستایی وندیداد قابل بررسی نیست.

۵-۲۱ مولفه بیست‌ویکم: توالی متمم‌نما و جمله متمم

در زبان اوستایی وندیداد، متمم‌نما (Complementizer) در آغاز ساخت بند این‌گونه از جمله‌های مرکب واقع می‌شود. به بیانی واضح‌تر نشانه بند متمم/پیرو (۲۴ متمم‌نما) در آغاز بند متمم (Complement Clause) یا بند پیرو می‌آید که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

۲۲	<u>āat</u>	<u>mraot</u>	<u>ahurō mazdā</u>	<u>yat</u>	<u>bā</u>	<u>paiti</u>	<u>nā</u>	<u>ašava</u>	<u>frayat</u>
	آنگاه	گفت	اهوره‌مزدا	کسی که	به راستی	به		مرد اشونی	پیش آمدن
	.ق	.ف	.ا	مت.نما	ب.مت.				

آنگاه اهوره‌مزدا گفت: [وقتی] کسی که براستی مرد اشونی [است] به پیش آید. (فرگرد سوم،

بند ۱)

۵-۲۲ مولفه بیست‌ودوم: حرکت پرسشواژه

در زبان اوستایی وندیداد، پرسشواژه‌ها (۵۵ مورد) همواره در ابتدای ساخت جمله پرسشی قرار می‌گیرند و حرکتی در سطح جمله ندارد که در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

۲۳	kahmāi	paoiryō	mašyānaṃ	apərəsə?
	با چه کسی	نخستین	مردمان	همپرسگی کردی
	پ.و.	ق.	ا.	ف.

نخست با کدامیک از مردمان، همپرسگی کردی؟ (فرگرد دوم، بند ۱)

۵-۲۳ مولفه بیست‌وسوم: توالی فعل و مفعول

در زبان اوستایی وندیداد، مفعول مستقیم هم پیش از فعل و هم پس از آن قرار می‌گیرد اما موارد وقوع مفعول-فعل (۱۳۳ مورد)، تقریباً چهار برابر مواردی است که توالی فعل-مفعول (۳۵ مورد) دیده می‌شود که در جایگاه فعل پایانی قوی واقع می‌شود. در مثال زیر، گروه مفعولی صریح پیش از فعل واقع شده است:

۲۴	azəm	tē	gaēθā	frādayeni
	من	(ات)	جهان	فراخی بخشم
	فا.	ض. (اض.)	مف.ص.	ف.

من جهان تو را فراخی بخشم (فرگرد دوم، بند ۵)

مثال زیر جهت توضیح موردی از مفعول صریح بندی می‌باشد که پس از فعل واقع شده است:

۲۵	aθava	ōy	raoçayēite	aētaēšva	varəfšva	yō	vimō	kərənaot
	که	چنین	روشنی می‌بخشد	آن	ورها	که	جم	ساخت
		ق.	ف.		مف.ص.			ب. مت. (توصیف مفعول صریح)

که چنین روشنی می‌بخشد [در] آن ورهایی که جم ساخت. (فرگرد دوم، بند ۳۹)

۵-۲۴ مولفه بیست‌وچهارم: توالی وند منفی ساز و ستاک فعل

در زبان اوستایی وندیداد، عنصر منفی ساز فعل، شامل ادات منفی ساز "nōit" می‌باشد که همواره پیش از ستاک فعل (۴۱ مورد) واقع می‌شود. بنابراین در جایگاه فعل میانی قوی واقع می‌شود:

۲۶	yezi	mē	yima	nōit	vīvīse	mərətō	bərətaca	daēnayāi
	اگر	مرا	جم	ان.	نپذیری	حفظ کردن	بردن	دین
	ح.ش.	ض.	منادا	ان.	ف.			

ای جم! اگر حفظ دین را از من نپذیری. (فرگرد دوم، بند ۴)

۶. یافته‌ها و نتیجه‌گیری

براساس شواهد ارائه‌شده و تجزیه و تحلیل کلیه مولفه‌ها در داده‌های این پژوهش، در تعیین نوع رده‌ی زبان اوستایی و نندیداد، می‌توان با طرح یک جدول به پرسش پژوهش پاسخ گفت. وضعیت رده‌شناختی زبان اوستایی و نندیداد براساس مولفه‌های ترتیب واژه‌ها در جدول شماره ۵-۱ نشان داده می‌شود. ستون جمع مولفه‌ها در جدول نشان می‌دهد که این زبان در مقایسه با زبان‌های منطقه‌ی اروپا-آسیا دارای ۱۳ مولفه از مولفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی (فعل پس از مفعول) و برخوردار از ۱۵ مولفه از مولفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی (فعل پیش از مفعول) می‌باشد. همچنین این زبان در مقایسه با زبان‌های جهان، ۱۳ مولفه از مولفه‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مولفه از مولفه‌های فعل‌میانی قوی را داراست. بنابراین زبان اوستایی و نندیداد در مقایسه با زبان‌های منطقه‌ی خود (اروپا-آسیا) و زبان‌های جهان، به زبان‌های فعل‌میانی قوی گرایش دارد لازم به اشاره است که تعدادی از مولفه‌ها دارای توالی و ترتیب غالب (*) بوده‌اند اما به دلیل داشتن هر دو توالی و ترتیب گفته‌شده، در هر کدام از دو خانه‌ی مربوط دیگر نیز علامت متفاوت (◇) گذاشته شده است.

جدول ۶-۱ توصیف وضعیت رده‌شناختی زبان اوستایی و نداد بر حسب مولفه‌های ۲۴گانه درایر

مؤلفه	ردیف	جمع	
		۱۳	۲۴
وند منگی‌ساز و ستاک‌فعل	۱۵	*	۲۴
مفعول و فعل	۱۶	*	۲۳
حرکت پرستوازه	۱۷	*	۲۲
متهم‌نما و جمله متمم	۱۸	*	۲۱
فعل اصلی و فعل مکی در مفهوم ترانستن	۱۹		۲۰
اسم و تکرار آزاد ملکی	۲۰	*	۱۹
وند زمان - نمود و ستاک‌فعل	۲۱	*	۱۸
عدد و اسم	۲۲	*	۱۷
فاعل و فعل	۲۳	*	۱۶
حرف تعریف و اسم	۲۴	*	۱۵
متمم بند قیدی / حرف ربط و بند	۲۵	*	۱۴
ادوات استنهام	۲۶		۱۳
فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود	۲۷		۱۲
قید مقدار و صفت	۲۸	*	۱۱
صفت اشاره و اسم	۲۹	*	۱۰
موصوف و صفت	۳۰	*	۹
فعل خواستن و فعل بند پیرو	۳۱		۸
فعل اسنادی و گزاره‌هستند	۳۲	*	۷
فعل و قید حالت	۳۳	*	۶
فعل و گروه حرف اضافه	۳۴	*	۵
صفت و مبنای مقایسه	۳۵		۴
مضاف و مضاف‌الیه	۳۶	◇	۳
هسته‌اسمی و بند موصولی	۳۷		۲
نوع حرف اضافه	۳۸	◇	۱
فعل پایانی قوی	فعل پایانی ضعیف	فعل پایانی قوی	فعل پایانی ضعیف

بررسی رده‌شناختی ... (محمد مهدی اسماعیلی و آناهید دشتی) ۲۳

۱۲		*					*	*	*	*	*				*	*	*		◇	◇	فعل بیانی ضعیف
۱۵	*	◇	*	*				◇		*				*	◇	◇	◇	*	*	*	فعل بیانی قوی

پیوست‌ها

- به این وسیله از استادان گرانقدر جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم و جناب آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده و سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب، به دلیل بذل توجه به این پژوهش و ارائه راهنمای‌های موثر، تشکر و قدردانی می‌شود.
- در این پژوهش از داده‌های نسخه گلدنر و همچنین از متن اوستا کتاب مقدس زرتشتیان اثر جوزف پترسون و برای ترجمه فرگردها، از ترجمه جلیل دوستخواه استفاده شده است.
- این مقاله استخراج شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آناهید دشتی می‌باشد.
- در تشریح مثال‌های این مقاله از کوتاه‌نوشت‌هایی که در جدول زیر می‌آید، استفاده شده است.

جدول کوتاه‌نوشت‌ها

عبارت اصلی	کوتاه‌نوشت	عبارت اصلی	کوتاه‌نوشت	عبارت اصلی	کوتاه‌نوشت
اضافی	اض.	ادات نفی	ان.	اسم	ا.
پرسشواژه	پ.و.	بند متممی	ب.مت.	بند قیدی	ب.ق.
حرف تعریف	ح.ت.	حرف اضافه	ح.ا.	تکواژ آزادمملکی	ت.ا.م.
صفت اشاره	ص.ا.	صفت	ص.	حرف شرط	ح.ش.
ضمیر متصل	ض.مت.	ضمیر متممی	ض.م.	ضمیر	ض.
فعل	ف.	عدد	ع.	ضمیر موصولی	ض.مو.
قید	ق.	فاعل	فا.	فعل اسنادی/ربطی	ف.ا.س.
متمم‌نما	مت.نما	قید مقدار	ق.م.	قید حالت	ق.ح.
مصدر	مص.	مسندالیه	مس.ا.	مسند	مس.
مفعول صریح	مف.ص.	مضاف‌الیه	مض.ا.	مضاف	مض.
				هسته‌بند موصولی	ه.ب.م.

کتاب‌نامه

- پورداوود، ابراهیم (۱۳۵۴). *وندیداد: گزارشی از جلیل دوستخواه (۱۳۷۰)*. تهران: نشر تاریخ فارسی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: انتشارات سخن.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.

بررسی رده‌شناختی ... (محمد مهدی اسماعیلی و آناهید دشتی) ۲۵

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۳). "رده‌شناسی زبان‌های ایرانی"، *مجله زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، س ۴، آذر ۱۳۹۳، ۲۰۱-۲۰۳.

زرشناس، زهره (۱۳۸۲). *زبان و ادبیات ایران باستان*. تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
گلدنر، کارل فردریش (۱۳۸۲). *اوستا کتاب مقدس پارسیان*، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: نشر اساطیر.
گلفام، ارسلان (۱۳۷۹). "شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی"، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه تهران.
منشی‌زاده، مجتبی و محمدامین ناصح (۱۳۸۶). "نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانه پهلوی"، *نشریه ادب و زبان*، ش ۲۲.

Comrie, Bernard (1989). *Language Universals and Linguistic typology*. Oxford: Basil Blackwell, 87.

Comrie, Bernard (2009). *The World's Major Languages*. 2ed. New York: Routledge, 437-477.

Croft, William. (2003). *Typology and Universals*. 2ed. Cambridge University press, 29-56.

Dabir-Moghaddam, M. (2012). Linguistic Typology: An Iranian Perspective. *Journal of Universal Language*. 13(1): 31-70.

Darmesteter, James (1898). *Vendidad or Laws against the Demons*. Ed Josep Peterson, Avesta. org, 1995.

Dryer, M. (1992). The Greenbergian Word Order Correlations. *Journal of Language, Buffalo*, 81-138.

Greenberg, J. H. (1963). *Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements*, *Universals of language*, 2nd ed, Ed. J. H. Greenberg, Cambridge University press, 73-113.

Geldner, K. F. (1886). *Avesta*. Stuttgart, I, II.

Haig, G. (2008). *Alignment Change in Iranian Languages: A Construction Grammar Approach*. Berlin: Mouton de Gruyter.

Hoffmann, Karl (1989). *The Zarathushtrian Assembly "Singing the Gathas in Avestan"*. Everson & Pournader, 4

Kellens, Jean (1995). *Liste du Verbe Avestique*. Wiesbaden: Reichert.

Malandra, William W. (2006). *VENDĪDĀD: Survey of the history and contents of the text*. (An Open Access).

<https://iranicaonline.org/articles/vendidad>.

Moravcsik, Edith A. (2013). *Introducing Language Typology*. Cambridge University Press.

Peterson, H. Joseph (1995). *AVESTA – the Sacred Books of the Zoroastrians: Part IV. Vendidad*. Stuttgart.

Shibatani, Masayoshi and Theodora Bynon (1999). *Approachs to Language Typology*. Oxford University Press, 1-25.

Tafazzoli, Ahmad. (2011). *DABĪRE, DABĪRĪ*. (An Open Access).

<https://iranicaonline.org/articles/vendidad>.